



علامه طباطبایی؛ احیاگر عقل و وحی در روزگار غربت

علامه طباطبایی شخصیتی بزرگ بود که در دوران فاصله گرفتن بشر از عقل و وحی و عصر غربت این دو (قرن 20 و 21)، با نگارش آثار متعدد و به ویژه رساله های هفت گانه، به احیای این دو عامل قوی و سازگاری آنها همت گماشت.

گروه اندیشه: علامه طباطبایی شخصیتی بزرگ بود که در دوران فاصله گرفتن بشر از عقل و وحی و عصر غربت این دو (قرن 20 و 21)، با نگارش آثار متعدد و به ویژه رساله های هفت گانه، به احیای این دو عامل قوی و سازگاری آنها همت گماشت.

حجت الاسلام و المسلمین سیداحمد رهنمایی، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) و نویسنده کتاب تازه منتشر شده «مکتب تربیتی علامه طباطبایی»، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران(ایکنا) اظهار کرد: بنده مکتب تربیتی علامه طباطبایی را هم با توجه به نقل های بزرگان و هم مطابق آثار خود ایشان، مکتب عقل و وحی معرفی کرده ام و به ویژه در ارتباط با آثار ایشان، و به ویژه در رساله های ایشان، بر توأمان بودن عقل و وحی تأکید شده است.

وی افزود: جالب است که علامه هفت رساله نگاشته که همگی از نابترین رساله هایی است که در مسائل اعتقادی، کلامی، عرفانی و معرفتی نوشته شده است. هفت رساله ایشان شهرت دارد و ای کاش به زبانهای زنده دنیا ترجمه شود که اگر این اتفاق بیفتد، قطعاً جایگاه خود را در بسیاری از محافل علمی باز خواهد کرد.

وی با بیان این که در آثار دیگر علامه نیز این توأمانی عقل و وحی به چشم می خورد، بیان کرد: دلیل تأکید بنده بر این هفت رساله آن است که در آنها و به ویژه در سه رساله «الانسان قبل الدنيا»، «الانسان فی الدنيا» و «الانسان بعد الدنيا» بر این مسأله تصریح بیشتری می کنند؛ این سه رساله، رسائل انسان شناسی علامه بوده و بسیار جذاب و پرمحتوا هستند و با عنوان «انسان از آغاز تا انجام» ترجمه شده و در دسترس علاقه مندان قرار گرفته است.

رهنمایی ادامه داد: پایان بخش همه این رساله های سه گانه و سایر رسائل ایشان این است که ایشان تصریح می کنند که ما این مطالب را با عقل دریافت کرده ایم و مورد تأیید وحی و شرع است. این بسیار نکته برجسته ای است و از همین رو اگر ما بخواهیم علامه را تنها به عنوان یک فیلسوف معرفی کنیم، جفای بزرگی در حق ایشان کرده ایم. علامه فیلسوف بود و فراتر از آن، یکی از شخصیت های برجسته ای بود که پس از صدرالمتألهین توانست در این عصر و دورانی که بشر می رفت تا از عقل و وحی فاصله بگیرد(قرن 20 و 21)، این دو را احیاء کرد.

وی عنوان کرد: علامه در دوران غربت عقل و وحی علامه رساله هایی را می نویسد و در این خصوص هم به زبان عقل و هم به زبان شرع مطالب خود را بیان می کند و کمتر کسی را سراغ داریم که این گونه رفتار کرده باشد. علامه طباطبایی هم احیاگر دین و هم احیاگر عقل است و ای کاش دانشکده های دینی و معارف ما و نیز رشته ها و گرایش های علوم انسانی توانایی و انگیزه توجه به این نکته نظرات را داشتند.

نویسنده کتاب «مکتب تربیتی علامه طباطبایی» تصریح کرد: دین و عقل، این دو عامل بسیار قوی هستند که راهنمای انسان بوده و رهنمودهای سعادت بخش انسان را تأمین می کنند؛ همان دو چیزی که در اصول کافی از آنها به عنوان عقل ظاهری و عقل باطنی یا نبوت باطنی و نبوت باطنی یاد شده است.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) خاطرنشان کرد: علامه در آثار خود، به ویژه در هفت رساله خود و بخصوص در آن سه رساله مذکور کاملاً به دو عامل دین و عقل پرداخته و آن دو را سازگار میداند و اساساً یکی از مباحث ما در بیان

مبانی معرفت شناختی مکتب تربیتی علامه همین سازگاری نقش عقل و وحی در تربیت است.

رهنمایی در پاسخ به این سؤال که با توجه به این که علامه طباطبایی اهل خلوت و عرفان بود، تربیت اجتماعی در مکتب ایشان چه جایگاهی دارد؟ گفت: رساله #171؛ الولایه علامه طباطبایی تفسیر گویایی از منش علامه در خلوت با حق و پیوستن به ولایت الهی است و ما را یارای سخن گفتن درباره این اثر نیست؛ همچنان که علامه حسن زاده آملی این رساله را #171؛ مآدبه الله نامیده و این اثر در واقع سفره آداب الهی است که پیش روی ایشان باز شده است.

وی افزود: جنبه اجتماعی ایشان نیازاز جنبه علمی و عملی ایشان کاملاً مشهود است؛ این که ایشان محافل علمی برجسته ای را تنظیم کرد و خود درصدد طرح بحث برآمد. اگر علامه می خواست با روحیه عزلت و انزوا زندگی کند، هیچگاه افکار و اندیشه های ایشان به این صورت برجسته نشان داده نمی شد و امروزه اگر ما شاهدیم که افکار و اندیشه های علامه در بسیاری از محافل بر سر زبان هاست، یکی از عوامل آن همین روحیه جمعی و جمع گرایی علامه است.

این محقق و پژوهشگر در تبیین جنبه اجتماعی سیره علمی و عملی علامه با اشاره به خاطره ای اظهار کرد: بنده بسیار کم توفیق حضور در محضر ایشان را داشته ام و یکی از خاطراتی که به یاد دارم این است که يك روز پس از شهادت شهید مطهری، زمانی که طلبه نوجوانی بودم، با گروهی از دوستان برای عرض تسلیت به محضر ایشان رسیدیم و با پذیرش بسیار عاطفی و گرم و محبت آمیزی يك استاد بزرگ نسبت به خودمان (چند طلبه نوجوان) مواجه شدیم.

مدیر گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) تصریح کرد: همچنین این وضعیت استثنایی ایشان که می کوشید همه امور شخصی و معیشتی خود را با حضور در بازار و خیابان شخصاً انجام دهد، قابل توجه است. بعلاوه باید به منش بسیار دلپذیر ایشان برای زیارت حضرت معصومه(س) اشاره کرد که هر روز این برنامه را با پای پیاده از منزل خود تا حرم داشت.

وی خاطرنشان کرد: مشهور است که در ایام ماه مبارك رمضان، يك برنامه استثنایی به برنامه های زیارت ایشان اضافه می شد، بدین صورت که از منزل پیاده تا حرم می آمدند و وقت افطار با بوسه بر ضریح حضرت معصومه(س) افطار می کرد. ایشان همواره در جمع بود و مردم را دریافت می کرد و مردم نیز او را دریافت می کردند، به حضور دیگران و اطرافیان بسیار توجه می کرد و در همه مراحل زندگی این منش جمع گرایی را داشته و همان گونه که گفته شد، انتشار افکار و اندیشه های ایشان بهترین دلیل و شاهد بر این امر است.